

واژه ریاضی



دانشگاه صنعتی شریف
(گروه ریاضی)

www.KetabFarsi.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَنْزُومَةُ الْأَمَانَةِ مَعَانِيهَا وَمَقَالَتُهُ مِنْ سَالِمٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.KetabFarsi.com

بسمه تعالی

تفاسطه کتاب

نام کتاب :	واژه نصابیه ریاضی
گرد آوری :	گروه ریاضی کارسردی
ناشر :	انتشارات جهاد دانشگاهی منظمی شهر
تیسراز :	هفت هزار و پانصد جلد
نایع انتشار :	چاپ اول، خرداد ماه هزار و سیصد و نعت و سه چاپ دوم، آذر ماه هزار و سیصد و نعت و سه
چاپ از :	بناست : شهیدای هنرمند
	چاپخانه علامه طباطبائی

سخنی باخواننده

ما که میگوئیم دانشگاه اسلامی میخواهیم، میخواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم، که برای احتیاجاتی که این ملت دارد کرسی داشته باشد و برای ملت باشد... ما بیش از پنجاه سال است که دانشگاه داریم با بودجه های هنگفت و در این پنجاه سال نتوانستیم در علومی که دانشگاهها کسب میشود خودکفا باشیم.

امام خمینی

با آغاز انقلاب فرهنگی که پیامدی بحق بر انقلاب شکوهمند اسلامیان بود، ضرورت تحولی اساسی در کلیه دانشگاهها و از جمله مراکز آموزشی فنی و صنعتی بر همه آشکار گردید. دگرگونی در نظام آموزشی رشته های فنی بنوبه خود تاثیر بسزایی در ایجاد تحول در نظام صنعتی کشور خواهد داشت.

در این مرحله از حرکت جامعه که امت انقلابی اسلام گمراه به قطع وابستگیها و پیمودن راه استقلال بسته و اراده و عزم راسخ خود را با خون بهترین و عزیزترین جوانان خود به اثبات رسانده است، لازم است که به استقلال فنی و صنعتی که یکی از پایه های اساسی استقلال کشور بحساب می آید توجه خاصی مبذول شود. از آنجا که مادر حال حاضر از نظر کتب فارسی در زمینه های علمی و فنی، کمبود اساسی داریم، لازمست تا با گزینش صحیح از منابع علمی خارجی و ترجمه آنها بزبان فارسی این ضعف و کمبود را رفع نمائیم. از طرف دیگر بانگرشی به گذشته نه چندان دور و بررسی وضعیت تحصیلی فارغ التحصیلان رشته های فنی دانشگاهها، ملاحظه میکنیم که اکثریت این گروه گذشته از عدم برخورداری از معلومات و تجربه های کافی، که در انطباق با نیازهای جامعه در زمینه های گوناگون باشد، غالباً "حتی از محتوای واقعی و کاربردهای عملی دروس مختلفی که فراگرفته بودند نیز بی خبر

بودند، چرا که دو عامل عمده یعنی خارجی بودن تقریباً تمامی منابع اصلی و مهم دروس مختلف از طرفی، و پائین بودن سطح سواد و آموزش زبان خارجی از طرف دیگر، باعث میشد که تمامی اطلاعات دانشجوی به مقداری جزوات فارسی نارسا و ناقص، و با مطالب شفاهی استاد منحصر گردد.

اولین هدف ما از پرداختن به ترجمه و تالیف کتابهایی در زمینه های مختلف علمی و فنی، بر طرف کردن این نقیصه و دست یافتن به منابع و مراجعی است که بتواند گامی به اولیه را در اختیار دانشجو قرار داده و او را در شروع کار با یک منبع و مرجع جامع و معتبر که باسانی قابل استفاده باشد مواجه سازد. شک نیست که این امر در عین حالیکه خواننده را با کاربردها و واقعیت های یک موضوع علمی خاص آشنا میسازد، او را از مراجعه به سایر منابع و کتب فنی موجود، جهت بارورتر شدن و گسترش دامن آگاهی های علمی اش، بی نیاز نخواهد ساخت، بلکه از این طریق خواهد توانست با داشتن زمینه های مساعدتر و دیدگلی که از موضوع پیدا کرده است با سرعت برداشت فراگیری بیشتری به سایر منابع خارجی مراجعه و از آنها بهره برداری نماید. چراکه معتقدیم هم اکنون در لابلای بسیاری از کتب فنی موجود میتوان به مطالبی دست یافت که حاصل تجربیات چندین ساله کشورهای صنعتی بوده و میتواند در مراحل مختلف رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی، مورد استفاده جامعه انقلابی امروز ایران قرار گیرد. ما در استفاده صحیح از این منابع تردیدی بخود راه نداده و در این مسیر به وسوسه گج اندیشان واقعی نمیگذاریم و همواره بیاد داریم که پیامبر اکرم (ص) فرموده است.

"اطلبوا العلم ولو بالسنین" (۱) بدنبال علم بروید اگر چه در چین باشد. و نیز در جای دیگر فرمود.

الحکمه ضاله المؤمن این ماوجدها اخذها" (۲) علم و دانش گمشده مؤمن است پیش هر کسی آنرا یافت، اخذ میکند.

هدف دوم ما از ترجمه و تالیف کتب فنی، برقراری ارتباط درست و نزدیکتر دانشگاه و جامعه صنعتی است. مستخدمین و تکنسینهای کارخانجات ما غالباً "از تجربه عملی خوبی برخوردار، هستند لیکن بدلیل ضعف تئوری و دسترسی نداشتن به منابع مفید فارسی، امکان رشد و بارورتر کردن توانیهای خود را ندارند. چنانچه خداوند ما را در چاپ و انتشار کتبی که متناسب با نیازهای علمی اینگونه افراد و مراکز باشد توفیق دهد، دانشگاه توانسته است به یکی از وظایف خود در جهت رشد و تعالی صنعت در کشور عمل نماید.

برادران مادر قسمتهای مختلف در جهاد دانشگاهی و جهاد سازندگی که به مسائل فنی و صنعتی مربوط میشوند در عمل به تجربیات بسیار مفیدی دست مییابند که شاید مجموعه آنها را در هیچ کتابی نتوان یافت و چون این تجربیات حاصل برخورد با مشکلات و معضلات خاص جامعه امروز ماست از ارزش فراوانی برخوردار است. جمع بندی و نگارش این تجربیات هدف سوم ماست.

ما این حرکت را لازمه آغاز رشد و تعالی در صنعت و گسترش زنجیرههای اسارتی میدانیم که استعمارگران خونخوار طی سالهای دراز برگردن این امت رنج دیده قرار داده اند و از طریق تکیه بر صنعت مونتاژ، در هر چه وابسته کردن صنعت ما به خارج کوشیده اند، و اطمینان داریم که در این مسیر که با هدف کلی و نهایی قطع وابستگی از کشورهای بیگانه و رسیدن به خودکفایی علمی و صنعتی آغاز شده است اگر چنانچه خالصانه و فقط برای خدا کار کنیم، همواره راههای هدایت خداوندی را به روی خود گشوده خواهیم یافت که او خود فرمود.

"والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا" (۳) کسانی که در راه ما تلاش کنند یقیناً آنها را به راههای خود هدایت خواهیم نمود.

و در این صورت است که هرگاهمان در این راه عبادتی محسوب خواهد شد و توانستیم به ذره کوچکی از مسئولیت سنگینی که در قبال انقلاب اسلامی و شهدای گرانقدر آن بر عهده داریم عمل نمائیم.

ما این حرکت را بانام خداوند و با درود به روان پاک همه شهیدان و معلولین انقلاب اسلامی، و سلام بر شهدای این دانشگاه که در جنگ تحمیلی ایثارگزارانه به شهادت رسیدند، آغاز میکنیم. همان شهیدانی که جوشش خون پاکشان همواره الهام بخش ما خواهد بود و توان ما را در رویارویی با دشمن اصلی، شیطان بزرگ، و عوامل داخلی آن صد چندان خواهد ساخت. شهیدانی چون جهادگران مخلص و پرشور "حسین شوریده"، "محمود نیلی"، "مجید مودن عطایی"، "عمی قائمیان"، "شعبان علی توگلی"، "محمد قاضی"، "امیرمهرداد"، "محسن ماندگار"، "علیرضا قزوینی"، "و پاسداران خستگی ناپذیر "سیدحسین میرسلطانی"، "محسن وزوایی"، "بهرروز سلطانی"، "علی اصغر افشاری"، "ناصر فولادی"، "وسپاهیان همیشه در سنگر" جمال امیرخانی"، "سیامک رادپور"، "محمود فراخی"، "جواد جعفری"، "محمدپیران بهبهانی"، "حمیدرضا شالی"، "وسربازان فدائکار اسلام"، "علیرضا محمودی نژاد"، "حسن نفیسی نیا"، "محمدهادی نسوربخش"، "زین العابدین رزاق مرندی"، "محمد تقی عراقی"، "وزم آوردان ایثارگر" عبدالمجید علیرضایی"، "علیرضا زمان"، "غلامرضا صادقی زاده"، "محمود قفل سازان"، "محمد حسن کاظمی"، "بیژن اردلان"...

"والسلام علی من اتبع الهدی"

۲- کتاب بحار الانوار علامه مجلسی، جلد اول

۳- سوره عنکبوت آیه ۶۹

بسمه تعالی

بیان اندیشه آدمی، حتی در جزئی‌ترین مسائل، همواره نیازمند الفاظ، عبارات و اصطلاحات خاصی است تا این مهم را برآورده سازند. این چنین عبارات و اصطلاحات که باعث میگردند تا تبادل افکار و ارتباط بین اذهان صحیح‌تر و سریع‌تر صورت پذیرد، شالوده لازم را جهت طرح و بیان اندیشه آدمی بی‌ریزی مینمایند. در همین حال بایستی این نکته را نیز مد نظر قرار داد که انس و الفت آدمی به زبان مادری اش وی را قادر میسازد تا به مدد آن بهتر اندیشیده و افکار و مفاهیم موجود در ذهن خود را رساتر بیان دارد، و طبیعی است که در این رهگذر مطالعه گفته‌ها و نوشته‌های دیگران بهره بیشتری به دنبال خواهد داشت.

اگر به گذشته نظر افکنیم و اندک وقتی را صرف مطالعه احوال مسلمین نمائیم در خواهیم یافت که زمانی ایشان قافله علم و دانش را در کلیه زمینها خود رهبری مینمودند، دانشمندان و محققین مسلمانی را می‌یابیم که نظرات ایشان در تمامی مجامع علمی آن زمان مطرح میگردید و از این دست مطالب به نکات فراوان دیگری میتوان برخورد که جعلگی بر حاکمیت روح علمی بر فضای آن زمان دلالت دارند. غنای علمی فرهنگ اسلامی این امکان را در آن هنگام به زبان فارسی، که به گونه‌ای بازبان عربی در آمیخته بود، میداد تا در نهایت توانایی بتواند در مباحث مختلف علمی بکار گرفته شود.

لیکن در حال حاضر به جهت پرکشیدن آن روح علمی از فضای ممالک و مجامع اسلامی و پروازش به سوی مغرب زمین، بین ما و مجامع علمی دنیا فاصله‌ای افتاده است که اگر در مدد حذف این فاصله نباشیم افزایش آن امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. این فاصله موجب گشته تا زبان فارسی در بیان مطالبی که بیگانگان به آن اندیشیده و مطرح کرده‌اند با ضعف و ناتوانی روبرو گردد و نتواند در

میدان ترجمه چنین مقولاتی با موفقیت عمل نماید.

بر این اساس، مترجمان همواره در اشنای کار خود به لغات و اصطلاحاتی بر میخورند که نمیتوانند معادل آنها را در میان لغات و اصطلاحات زبان فارسی بیابند. در چنین مواردی هر یک از ایشان آنگونه که خود تشخیص میدهد واژه‌ای خاص را وارد متن ترجمه شده نموده و باعث میگردد که زحمات متصل شده در حین ترجمه به گونه‌ای شایسته اثر خود را بر جای نگذارند، چرا که ممکن است خواننده در برابر خود چندین لفظ را ببیند که برای یک مورد خاص بکار رفته‌اند و یا به لغاتی نامأنوس برخورد که نهایتاً "تفهیم مطلب را مشکل خواهند ساخت، که اگر مختصر توانی داشته‌باشی این موضوع او را بر آن خواهد داشت تا برای فهم دقیق مطلب عطای ترجمه را به لقایش بخشیدم و به متن اصلی کتاب مراجعه نماید.

تهیه واژه نامه‌ای که بتواند لغات، اصطلاحات و یا عبارات علمی یک رشته را جمع آوری نموده و معادلهای مناسبی را برای هر یک ارائه دهد، موجب میگردد تا علاوه بر بالا رفتن کیفیت ترجمه کتابها، بهره‌گیری دانشجویان و دانش پژوهان از کتب خارجی نیز روند صحیح‌تری پیدا نماید.

واژه نامه حاضر مشتمل بر هفت هزار و ششصد اصطلاح ریاضی (ساده و ترکیبی) میباشد که از منابع مختلف گردآوری شده و معانی آنها نیز تا حد میسر از کتب ترجمه شده معتبر فراهم آمده‌اند، در بعضی موارد نیز تعاریف و یا صورت قضایی که از چند سطر تجاوز نمیکرده‌اند و بیان آنها هم مستلزم مقدمات زیادی نبوده است، ذکر شده‌اند. در ضمن سعی گردیده که در موارد لزوم به کمک اشکال و تصاویر مفاهیم برخی از واژه‌ها رساتر بیان شوند.

در پایان متذکر می‌شویم که جهاد دانشگاهی تکمیل این واژه نامه را، تا آنجایی که بتواند حتی الامکان برای تمامی

لغات و اصطلاحات علم ریاضی معادلی مناسب را عنوان نماید،
 بر خود فرض می‌بیند، لذا تقاضا دارد که اساتید فن نقش خود
 را در این زمینه فراموش ننموده و با ارائه نظرات و
 پیشنهاداتشان سهم خود را در انجام این مهم ادا نمایند،
 چرا که تهیه کنندگان این واژه نامه هیچگاه مدعی این گزاره
 نخواهند شد که " این است و جز این نیست!" بلکه معتقدند
 به انجام وظیفه‌ای دست یازیده‌اند که جهت قطع وابستگی
 علمی و پر بارتر نمودن فرهنگ مملکت اسلامی لازم می‌نموده
 است.

والسلام

گروه ریاضی کاربردی جهاد دانشگاهی

دانشگاه صنعتی شریف

A

A	اولین حرف الفبای انگلیسی
Abacus	جدول - چرتکه
Abatement	رفع - کاهش - تنزل - تخفیف
Abbreviate	مختصر کردن - علامت اختصاری بکار بردن
Abbreviation	مختصر - مخفف - اختصار
Abelian group	گروه آبلی - گروه جابجایی
Abel limit theorem	قضیه حد آبل
Abel partial summation formula	فرمول جمع جزئی آبل
Abel's identity	اتحاد آبل
Abel's inequality	نامساوی آبل
Abel's method of summation	روش جمع زنی آبل
Abel's problem	مسئله آبل
Abel's test for convergence of series	آزمون آبل در مورد همگرایی سلسله‌ها
Abel's theorem on power series	قضیه آبل در مورد سری های توانی

Aberration	انحراف - عدم انطباق کانونی
Ability	شوانائی - قابلیت
Abnormal	غیرعادی - ناهنجار
About	بهرامون - در حدود - دورا دور
Abridge	مختصر کردن - خلاصه کردن - کوتاه کردن
Abridgement	اختصار - خلاصه
Abscissa	طول نقطه (در دستگاه مختصات)
Absolute	مطلق
Absolute constant	ثابت مطلق
Absolute convergence	همگرایی مطلق - تقارب مطلق
Absolute error	خطای مطلق
Absolutely continuous function	تابع مطلقا " پیوسته
Absolutely convergent	بطور مطلق همگرا - مطلقا " متقارب
Absolute maximum	ماکزیمم مطلق
Absolute minimum	می نیمم مطلق
Absolute moment	گشتاور مطلق
Absolute number	عدد مطلق
Absolute stability	پایداری مطلق
Absolute term in an expression	جمله ثابت در یک عبارت (مثلا " c در عبارت $ax^2 + bx + c$)
Absolute term of a polynomial	جمله ثابت یک چند جمله‌ای
Absolute value	قدر مطلق - مقدار مطلق
Absolute value function	تابع قدر مطلق
Absolute value of a complex number	مدول یک عدد مختلط - قدر مطلق یک عدد مختلط
	$ z = a + bi = \sqrt{a^2 + b^2}$
Absolute value of a real number	قدر مطلق یک عدد حقیقی
Absolute value of a vector	قدر مطلق یک بردار
Absolute zero	صفر مطلق
Absorbent	جاذب

Absorption	جذب
Abstraction	تجرید - انتزاع
Abstract mathematics	ریاضیات محض
Abstractness	تجرید
Abstract number	عدد مجرد - عدد غیر محسوس - عددا انتزاعی
Abstract set	مجموعه مجرد
Abstract space	فضای مجرد
Abstract system	دستگاه مجرد
Abstract word or symbol	کلمه یا نشان مجرد
Absurd	عبث - بوج - بی معنی - بیهوده - ممتنع
Absurdity	بیهودگی - بوجی
Absurd relation	رابطه ممتنع - نسبت بوج
Abundant	اضافی - بسیار - زاید - وافر - فراوان
Accelerate	شتاب دادن - تسریع کردن - تند شدن
Accelerated	شتاب دار
Accelerated motion	حرکت شتاب دار
Acceleration	شتاب
Acceleration of gravity	شتاب ثقل
Accelerator	شتاب دهنده
Accent	علامتی که در بابا لوسمت راست حرف قرار گیرد مانند اِ یا اَ
Accept	پذیرش - قبول کردن - قبولی
Acceptance	پذیرش - قبولی - تصویب
Acceptance sampling	نمونه گیری مقنن
Acceptor	قبول کننده - پذیرا - پذیرنده
Access	دسترسی - مدخل - افزایش - اضافه
Accessory	فرعی - همدست
Accessory parameter	پارامتر فرعی
Accident	حادثه - واقعه - تصادف
Accidental	غیر مترقبه - اتفاقی - تصادفی
Accident insurance	بیمه حوادث
Accommodate	جا دادن - تطبیق کردن - اصلاح کردن - وفق دادن
Accompanied by	همراه با
Accompanying	همراه

Accord	مطابقت دادن - تطبیق دادن
Accordance	مطابقت
Accordant	مطابق
Accordingly	بنا بر این - از این رو - در نتیجه
According to	برطبق - مطابق - به عقیده - به قول - به موجب
Account	حساب - صورت حساب - گزارش
Accountable	مسئول - قابل توضیح
Accountancy	حسابداری
Accountant	حسابدار
Account book	دفترچه حساب
Accounting	حسابداری - بررسی اصل و فرع - اصول حسابداری
Accounting period	دوره محاسباتی
Account turn over	محاسبه برگشت سرمایه
Accredite	معتبر ساختن - برسمیت شناختن
Accroissement	الزایش
Accrue	افزوده شدن - تعلق گرفتن - فراهم شدن - حاصل شدن - منتج گردیدن
Accumulate	انباشتن - جمع شدن - جمع کردن
Accumulation	تجمع - توده - انباشته - انباشتن
Accumulation factor	ضریب تجمع - ضریب انباشتن
Accumulation point	نقطه انباشتن - نقطه تجمع - نقطه حدی
Accuracy	صحت - دقت - درستی
Accurate	صحیح - دقیق - درست
Accurately	با دقت
Achieve	انجام دادن - موفق شدن
Acnode	نقطه مزدوج
Acoustic	صوتی - مربوط به صدا
Acoustical	صوتی
Acoustics	صدا شناسی - علم الاصوات
Acquit	ادا کردن - انجام دادن
Acquittance	برائت نامه - مفاصا حساب
Acre	آکر - برابر با ۴۰۴۷ متر مربع ویا در حدود ۴۰۴۷ متر مربع - جریب فرنگی
Across	از میان - سرتاسر - از این سر تا آن سر

Act	عمل کردن - اشکر کردن - انجام دادن
Action	عمل - انجام - کنش
Action at a distance	اثر از راه دور - عمل از فاصله دور
Active	فعال - مؤثر
Active power	توان مؤثر
Actuality	واقعیت - فعلیت
Actually	واقعا - بالفعل - در حقیقت
Actual value	ارزش حقیقی - مقدار حقیقی
Actuarial	آماري - تعیین شدن توسط آمار
Actuary	آمارگیر
Acute	حاده - تند
Acute angle	زاویه حاده
Acute angled	حاده الزاویه
Acuteness	تندی - حدت - شدت
Acute triangle	مثلث حاده الزاویه
Acyclical	غیر دورهای - غیر دوری
Ad absurdum	برهان خلف
Ad absurdum statement	برهان خلف - گزاره خلف
Adapt	توافق کردن - تطبیق دادن - سازش کردن
Adaptation	توافق - سازش - تناسب
Add	جمع کردن - اضافه کردن - افزودن
Added	اضافی - اضافه شده
Addend	مضاف - عدد افزوده - افزودنی
Addendum	ضمیمه - اضافه
Adder	جمع کننده - افزاینده
Addibility	قابلیت جمع
Addible	قابل جمع زدن - افزودنی
Adding machine	ماشین جمع زنی - ماشین حساب
Addition	جمع - افزایش - از دیاد
Additional	اضافی - افزوده - افزایشی
Addition of figures	جمع ارقام
Addition principle	اصل جمع

Addition property of equalities	خاصیت جمع تساوی ها
Addition property of inequalities	خاصیت جمع نامساوی ها
Addition sign	علامت جمع
Addition table	جدول جمع
Additive	جمعی
Additive function	تابع جمعی
Additive group	گروه جمعی
Additive group of rational numbers	گروه جمعی اعداد گویا
Additive identity	عضویت در جمع
Additive inverse	عضویت معکوس در جمع - قرینه جمعی
Additive notation	نماد جمعی
Additive property	خاصیت جمع پذیری
Additive set function	تابع مجموعه ای جمعی
Additivity of Lebesgue measure	جمعی بودن اندازه لیبگ
Additivity	خاصیت جمعی
Addressee	مخاطب - گیرنده نامه
Adequacy	کفایت
Adequate	متساوی بودن - مساوی ساختن - کافی - مناسب
Adequately	بقدر کافی
Adhere	متصل بودن - چسبیدن
Adherent	چسبیده
Adherent point	نقطه چسبیده
Adhesion	چسبندگی
Adiabatic	عایق گرما - بدون تبادل حرارتی
Adiabatic curves	منحنی هایی که رابطه بین فشار و حجم عناصر را تحت شرایط مقدار حرارت ثابت نشان می دهند - منحنی های آدنایاتیک
Ad infinitum	بسمت بی نهایت - بی نهایت - الی آخر
Adjacence	نزدیکی - مجاورت

Adjacent	مجاور - نزدیک - همجوار	Aerostatics	علم خواص مکانیکی هوا
Adjacent angles	زوایای مجاور	Affine connection	ارتباط مستوی
Adjacent sides	اضلاع مجاور	Affine mapping	گسترش مستوی - نگاشت مستوی
Adjacent supplementary angles	زوایای مکمل مجاور - زوایای مجانب	Affine transformation	تبدیل مستوی -
Adjoin	ضمیمه کردن - ملحق کردن	$Y=AX+b$	یک تبدیل خطی و بدنبال آن یک انتقال
Adjoined	وابسته - الحاقی - ضمیمه	Affirm	اثبات کردن - اظهار کردن - تصدیق کردن
Adjoined determinant	دترمینان الحاقی	Affirmation	اثبات - تصدیق - اظهار
Adjoining	متصل - مجاور - پیوسته	Affirmative	مثبت - کلمه اثبات
Adjoint	الحاقی	Affirmatively	بطور مثبت
Adjoint matrix	ماتریس الحاقی	Affix	علامت گذاشتن - ضمیمه کردن - چسباندن - نشان دادن - نگار
Adjunction	الحاق	A fortiori	بطریق اولی
Adjust	مطابق کردن - تعدیل کردن - میزان کردن	Agent	نماینده - عامل - ضریب
Adjustable	قابل تعدیل - قابل تنظیم - قابل تنظیم	Age theory	نظریه سن
Adjustment	تعدیل - تطبیق - تنظیم	Aggregate	مجموعه - جمع شده - انبوه - مبلغ کل
Adjustment for calendar variation	تنظیم برای تغییرات سالانه یا تقویمی	Aggregation	اجتماع
Adjustment for seasonal variation	تنظیم برای تغییرات فصلی	Aggregative	جامع - جمعی
Admissible	پذیرفتنی - قابل قبول - مجاز	Agiotage	صرافی - معاملات احتکاری بروات
Admission	پذیرش - تصدیق	Agitation	آشفتهگی
Adopt	انتخاب کردن	Agonic	بی میل - بی گوشه - بی انحراف
Adoption	انتخاب	Agreement	قرارداد - توافق
Adsorption	انقباض گازها و مایعات روی سطوح - برآشام	Ajar	نیم باز
Advance	پیش بردن - پیشرفتن	Aleph	حرف الف
Advanced	پیشرفته	Aleph identity	اتحاد الف
Advanced analysis	آنالیز پیشرفته	Aleph naught	الف صفر (۰)
Advancement	پیشرفت	Aleph null	الف صفر
Advantage	مزیت - بهره	Alpha	آلفا - حرف اول الفبای یونانی - α
Advection	وزش افقی	Algebra	جبر - جبر و مقابله
Advisable	مقتضی	Algebraic	جبری
Advise	آگاهی دادن	Algebraically	از راه جبر - بطور جبری
Aerodynamics	آیرودینامیک	Algebraic curve	منحنی جبری
Aeronautics	علم هوانوردی	Algebraic number	عدد جبری
		Algebra of sets	جبر مجموعه ها
		Algebraic addition	جمع جبری
		Algebraic deviation	انحراف جبری
		Algebraic division	تقسیم جبری

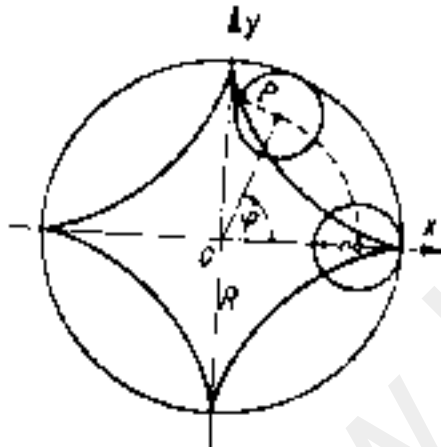
Algebraic equation	معادله جبری	Almost sure convergence	همگرا بی قریب به یقین
Algebraic expression	عبارت جبری	Almost surely	قریب به نفس
Algebraic extension of a field	توسعه جبری	Along	در طول - در امتداد
	یک هیئت	Alter	تغییر دادن - اصلاح کردن - تغییر کردن
Algebraic function	تابع جبری	Alteration	دگرگونی - تغییر - اصلاح
Algebraic geometry	هندسه جبری	Alterable	متغیر - قابل تغییر
Algebraic identity	احاد جبری	Alternate	متبادل - عوض - تناوب داشتن - تناوب کردن
Algebraic multiplication	ضرب جبری	Alternate angles	زوایای متبادل - زاویه های متبادل
Algebraic operations	اعمال جبری	Alternated	متناوب
Algebraic solution	جواب جبری	Alternate exterior angles	روایای متبادل خارجی
Algebraic subtraction	تفریق جبری	Alternate interior angles	زوایای متبادل داخلی
Algebraic sum	مجموع جبری - حاصل جمع جبری	Alternately	متناوبا " - به تناوب
Algebraic symbols	علائم جبری	Alternating	متناوب
Algebraic system	دستگاه جبری	Alternating group	گروه متناوب
Algebraic topology	توپولوژی جبری - مکان شناسی جبری	Alternating harmonic	همساز متناوب - هم آهنگ متناوب
Algebraic value	مقدار جبری	Alternating series	سلسله متناوب - سری متناوب
Algebraist	جبردان	Alternation	سویت - تناوب - یک درمیانی
Algorithm	الگوریتم - الخوارزمی - دستور العمل - روش محاسبه	Alternative	متناوب
Align	در یک امتداد قرار دادن - بخط کردن - ردیف کردن	Altimeter	اوج نما - ارتفاع سنج - فرازیاب
Alignment	صف - ردیف - صف بندی	Altitude	ارتفاع - بلندی - فراز
Alignment chart	نمودار - نمودار	Altitudinal	وابسته به اوج - ارتفاعی - مربوط به ارتفاع
Alike	شبهه - یکسان - متشابه	Ambiguity	ابهام - نامعلومی
Aliquant	باقیمانده دار	Ambiguous	تاریک - مبهم - دوپهلوی
Aliquant part	قسمت باقیمانده دار	Ambiguosness	ابهام - دوپهلویی - تاریکی
Aliquot	عاد کردن - عاد کننده	Ambit	پیرامون - حدود - حوزه - محوطه
Aliquot part	جزء عاد کننده - مقسوم علیه	Amicable numbers	اعداد متحابه
Alkaline	قلیائی	Amid	وسط
Allow	جا بزشمردن - روا داشتن - اجازه دادن - پذیرفتن	Amiss	نادرست
Allowable	جایز - مجاز - روا	Among	در میان - از جمله - در زمره
Alloy	آلیاژ - عیار زدن	Amorphous	بی شکل - بی نظم
Almanac	تقویم سالانه - تقویم نجومی	Amortization	استهلاک - استهلاک سرمایه
Almost	تقریباً "		
Almost everywhere	تقریباً همه جا		
Almost periodic function	تابع تقریباً " متناوب		

Amortization of a dept	استهلاک دین	Analyze	تجزیه و تحلیل کردن
Amortization rate	ضریب استهلاک	Anchor	لنگر - لنگر انداختن
Amortize	مستهلك کردن - تقسيط فرض	Anchor ring	چنبره
Amount	مقدار - حاصل - مبلغ - میزان	Ancillary	فرعی - کمکی - دستیار
Ampere	آمپر - واحد شدت جریان	And so forth	و غیره
Ample	وسیع - فراوان	And so on	و غیره - و بهمین ترتیب
Amplification	توسعه - تفصیل - بسط - دامنه دهی	Angle	زاویه - گوشه
Amplitude	دامنه - نوسان - آرگومان - فاز	Angle at the center	زاویه مرکزی
Amplitude of a complex number	فازیک	Angle between a line and a plane	زاویه بین خط و صفحه
	عدد مختلط - زاویه عدد مختلط - زاویه ای که بردار نما یکنگر عدد مختلط با جهت مثبت محور افقی می سازد.	Angle between two intersecting curves	زاویه بین دو منحنی متقاطع
Amplitude of a point	زاویه قطبی	Angle between two planes	زاویه بین دو صفحه
Analog computer	کامپیوتر آنالوگ - کامپیوتر قیاسی - رایانه قیاسی	Angle of depression	زاویه شیب
Analogize	قیاس کردن	Angle of a lune	زاویه هلال
Analogous	قیاسی - تشابهی - قابل قیاس - مشابه با - مطابق - نظیر - شبیه	Angle of elevation	زاویه فراز
Analogue	نظیر - مانند - شبیه	Angle of friction	زاویه اصطکاک
Analogy	تمثیل - قیاس - تشابه - مشابهت - شباهت - مطابقت	Angle of incidence	زاویه تابش
Analyse	تجزیه کردن - تجزیه و تحلیل کردن - آنالیز - تجزیه و تحلیل	Angle of inclination	زاویه شیب
Analysér	تحلیل گر	Angle of reflection	زاویه بازتاب
Analysis	آنالیز - تجزیه و تحلیل	Angle of refraction	زاویه انکسار - زاویه شکست
Analysis sheet	تحلیل نامه	Angle preserving mapping	تبدیل حافظ زاویه
Analysis situs	توپولوژی - تحلیل موضعی	Angstrom unit	واحد انگستروم - واحد بین المللی طول موج
Analytic	تحلیلی	Angular	زاویه ای
Analytic geometry	هندسه تحلیلی	Angular acceleration	شتاب زاویه ای
Analytically	بطور تحلیلی	Angular distance	فاصله زاویه ای
Analytic at a point	تحلیلی در یک نقطه	Angular moment	گشتاور زاویه ای
Analytic continuation	امتداد تحلیلی	Angular momentum	اندازه حرکت زاویه ای
Analytic curve	منحنی تحلیلی	Angular speed	تندی زاویه ای
Analytic engine	ماشین تحلیل گر	Angular velocity	سرعت زاویه ای
Analytic function	تابع تحلیلی	Angulate	زاویه دار - گوشه ای
Analytic method	روش تحلیلی	Angulation	گوشه داری - زاویه داری
Analytic representation	نمایش تحلیلی	Anharmonic	ناهمساز - غیرتوافقی - ناموزون
		Annex	افزودن - ضمیمه کردن
		Annihilate	ناطل کردن - صفر کردن - بوج ساختن

Annihilating ideal	ایده آل بوجساز - ایده آل صفرساز	Antisine	عکس سینوس - معکوس سینوس
Annihilation	فنا - نیستی - باطل سازی - صفرسازی	Antisymmetric	نا متقارن
Annihilator	بوج ساز - صفرکننده - باطل کننده	Antisymmetric relation	رابطه نا متقارن
Annual	سالانه	Antisymmetrization	نا متقارن سازی
Annuitant	حقوق بگیر	Antisymmetry	بی تقارنی
Annuity	حقوق سالانه	Antitangent	معکوس تا نزانت - عکس تا نزانت
Annular	حلقه ای شکل - حلقوی	Antithesis	برابرنهاد - آنتی تزی
Annulated	حلقوی - حلقه دار	Antitrigonometric function	تابع معکوس مثلثاتی
Annulus	تاج دایره	Apart	جدا - مجزا - دور از هم
Another	دیگری - یکی دیگر	Apeak	راست - بطور عمودی
Answer	جواب - جواب دادن	Aperiodic	غیر متناوب - غیر دوره ای
Answer in affirmative	جواب مثبت - جواب مثبت دادن	Aperture	روزنه - شکاف
Antecedent	مقدم (ترکیب شرطی)	Apex	رأس - قله - اوج - سوک - رأس محلث با مخروط
Antedate	سبقت - پیش بینی کردن	Apex angle	زاویه رأس - زاویه فوقانی
Anti -	پیشوند بمعنی "ضد مخالف" - ضد - عکس	Aphelion	دورترین فاصله
Anticipate	پیش بینی کردن - پیشی گرفتن بر - جلوانداختن	Apical	رأسی - مربوط به رأس
Anti-clockwise	جهت منتهای - عکس جهت عقربه های ساعت	Apodictic	مستلزم بیان حقیقت - قابل توضیح
Anti-commutative	غیر جابجایی	Apogee	اوج - نقطه اوج
Anticosine	عکس کسینوس - معکوس کسینوس	Aposteriori	از معلول به علت رسیده
Anticotangent	عکس کتانزانت	Apothem	سهم (هرم) - فاصله مرکز چندضلعی منتظم تا یکی از اضلاع آن
Antiderivative	تابع اولیه - ضد مشتق	Apparent	آشکار - پیدا - ظاهر - شفاف
Antiparallel	نامتوازی - غیر موازی	Apparent outline	دوره ظاهری
Antihyperbolic function	تابع معکوس هذلولوی	Append	ضمیمه کردن
Antilogarithm	آنتی لگاریتم - عکس لگاریتم	Appendage	ضمیمه
Antilogarithmic	عکس لگاریتمی	Appendix	ضمیمه - زائده - پیوست
Antinomy	تناقض دو قانون (دو اصل)	Applicable	عملی - قابل اجرا - کاربردی
Antipodal	متفاظر	Application	کاربرد - استعمال
Antipodal points	نقاط متفاظر	Applied	عملی - قابل اجرا - کاربردی
Antipodes	نقاط متفاظر	Applied mathematics	ریاضیات کاربردی - ریاضیات کاربرده
Antireflexive	نا بازتابی - غیر انعکاسی	Apply	بکار بردن - اجرا کردن - اعمال کردن
Antireflexive relation	رابطه غیر انعکاسی	Apportion	بخش کردن - قسمت کردن - تقسیم کردن
		Apportionable	بخش پذیر - قابل قسمت - قابل تقسیم
		Apportionment	بخش - قسمت - تقسیم
		Appraisal	ارزیابی - تقویم - تعیین قیمت

Argand's diagram	نمودار آرگانند	Array	بدهی پس افتاده - به عقب - پس رفت
Argue	بحث کردن - با دلیل ثابت کردن	Arrow	فلش - پیکان
Argument	شناخت - آرگومان	Arrowhead	نوک پیکان
Argumentation	استدلال - بحث - مناظره - مباحثه	Articulation	مفصل بندی
Argument of a complex number	شماره یک عدد مختلط - آرگومان یک عدد مختلط	Ascend	صعود کردن - بالا رفتن - عروج کردن
Arithmetic	حساب	Ascending	صعودی
Arithmetical	حسابی - مربوط به علم حساب	Ascending power	فوه صعودی - توان صعودی
Arithmometer	نوعی ماشین محاسبه	Ascent	فراز - صعود - عروج
Arithmetical decimal system	دستگاه اعشاری حساب	Ascension	صعود - عروج
Arithmetical progression	تعداد حسابی	Ascensional	صعودی
Arithmetical proportion	تناسب حسابی	Ascertain	تحقیق کردن - ثابت کردن
Arithmetical system	دستگاه حسابی	Ascribe	نسبت دادن - حمل کردن - اسناد دادن
Arithmetical character	خلقت حسابی	Ask	پرسیدن - سؤال کردن
Arithmetical function	تابع حسابی	Aslant	حرکت مایل - مورب - کج
Arithmetician	عالم علم حساب	Aslope	مرازیب
Arithmetic laws	قوانین حساب	Aspect	منظر - جنبه - سیما - صورت - ظاهر
Arithmetic mean	واسطه حسابی - میانگین حسابی	Assay	سختی - عیار - عیار گرفتن
Arithmetical number	عدد حسابی	Assembly	اجتماع - گروه - مجموعه - همگداری
Arithmetic operations	عملیات حسابی	Assemblage	عمل سوار کردن (ماشین یا موتور) - مجموعه - جمع آوری
Arithmetic progression	تعداد حسابی - تعداد عددی	Assert	دفاع کردن از - اظهار قطعی کردن - اثبات کردن
Arithmetic proportion	تناسب حسابی - تناسب عددی	Assertion	باید دادها - اثبات - تاء کید
Arithmetic sequence	دنباله حسابی	Assess	تشخیص دادن - ارزیابی کردن
Arithmetic series	سلسله حسابی	Assessed value	بهای ارزیابی شده
Arm	ضلع - بازو	Assessment	ارزیابی - تشخیص - تخمین - اظهار نظر
Armillary sphere	کره شکی	Assessor	ارزیاب
Arms of an angle	اطلاع یک زاویه	Asset	سرمایه - دارایی
Around	بیرامون - گرداگرد - اطراف - دوربادور	Assign	اختصاص دادن - نسبت دادن - گماردن
Arrange	تعمیر کردن - فرار دادن - مرتب کردن - ترتیب دادن - آراستن	Assignment	واگذاری - تخصیص
Arrange a polynomial	مرتب کردن یک چندجمله‌ای	Assimilate	تلفیق کردن - برابری کردن شبه ساختن
Arrangement	ترتیب - آرایش	Assimilation	حذب - شبیه
Array	ترتیب قرار گرفتن جملات یک سری (آرایه) - در صف کردن - صف و نظم - ترتیب - آرایه - آرایش	Associate	مربوط ساختن - تریک کردن
		Associated	وابسته - تریک - مربوط
		Associated radius of convergence	شعاع همگرایی مربوطه

Association	شرکت - پیوند - انجمن - اتحاد - ربط
Associative	انجمنی - شرکت پذیری
Associative law	قانون انجمنی - قانون شرکت پذیری
Associative operation	عمل شرکت پذیری
Associative property of addition	خاصیت شرکت پذیری جمع
Associativity	شرکت پذیری - انجمنی
Associativity of composition of mappings	خاصیت شرکت پذیری ترکیب نگاشتها
Associativity of product	شرکت پذیری ضرب
Assume	فرض کردن
Assumed	مفروض
Assumption	فرض
Assurance	اطمینان
Asymptotic cone of a hyperboloid	مخروط مجانبی یک هذلولوی
Astroid	آستروئید - منحنی ستاره گون



Astrolabe	اسطرلاب
Astrology	علم نجوم - علم ستاره شناسی - علم هیئت
Astronomic	نجومی
Astronomer	منجم - هیئت دان
Astronomy	علم نجوم - ستاره شناسی
Asymmetric	نامتقارن
Asymmetric function	تابع نامتقارن
Asymmetry	عدم تقارن - نامتقارنی
Asymptote	خط مجانب - مجانب
Asymptotic	مجانبی
Asymptotical expansion	بسط مجانبی
Asymptotically	مجانبا

Asymptotically equal	مجانبا مساوی
Asymptotic distribution	توزیع مجانبی
Asymptotic expansion	بسط مجانبی
Asymptotic cone of a hyperboloid	مخروط مجانبی یک هذلولوی
Athwart	برضد - از وسط - از اینسو به آنسو
At least	حداقل - دست کم
Atmosphere	جو
At most	حداکثر
At most countably infinite	حداکثر نامتناهی شمارش پذیر
Atom	ذره - کوچکترین جزء
Atomic	اتمی - ذره ای
Attach	متصل کردن - ضمیمه کردن
Attenuation	تظریف - تطیف - نازک برقیق
Attract	جذب کردن - ربودن
Attraction	ربایش - جذب - جاذبه
Attractive	جاذب
Attribute	نسبت دادن - استناد کردن
Auction	به مزایده گذاشتن - حراج - مزایده - حراج کردن
Audit	ممیزی - رسیدگی - ممیزی کردن - رسیدگی کردن
Auditor	حسابرس - ممیز - مور رسیدگی
Augment	افزودن - زیاد کردن - علاوه ندن - زیاد شدن
Augmentation	افزایش - اضافه
Authenticity	صحت - درستی - سندیت - اعتبار
Automation	خودکاری
Automorph	خودسان
Automorphic	خودسانی
Automorphic function	تابع خودسانی
Automorphism	خودسانی
Automorphism identity	اتحاد خودسانی
Automorphism of groups	خودسانی گروه ها
Autoregressive series	سلسله خودبرگشتی
Auxiliary	معاون - کمکی - معین

Auxiliary unknown	معاون مجهول
Available	موجود - مهیا
Average	متوسط - میانگین - معدل
Average curvature	انحنای متوسط
Average deviation	انحراف متوسط - انحراف میانگین
Average rate	نرخ متوسط - نسبت متوسط
Average rate of change	متوسط میزان تغییر
Average rate of increase	متوسط میزان افزایش
Average value	مقدار میانگین
Average velocity	میانگین سرعت - سرعت متوسط
Avoirdupois (avdp)	مقیاس اوزان سنگین نوعی دستگاه اندازه‌گیری وزن - در این دستگاه پوند واحد اصلی است و هر پوند معادل ۱۶ اونس است.
Axial	محوری
Axial-force	نیروی محوری
Axial symmetry	تقارن محوری
Axes	محورها
Axiom	اصل موضوع - اصل - اصل متعارف - حقیقت متعارف - اصل متعارفی
Axiomatic	اصل موضوعی - اصولی
Axiomatic theory	نظریه اصل موضوعی
Axiomatic method	روش اصل موضوعی
Axiomatization	تدوین اصول موضوعه
Axiomatize	تدوین کردن اصول موضوعه
Axiom of choice	اصل انتخاب
Axiom of compatibility	اصل سازگاری
Axiom of nested intervals	اصل فواصل تو در تو
Axis	محور
Axis of coordinates	محور مختصات
Axis of homology	محور تجانس
Axis of revolution	محور دوران
Axis of symmetry	محور تقارن
Axle	محور - میله - محور چرخ
Azimuth	سمت - زاویه سمت - زاویه بردار وضع یک نقطه نسبت به محور مختصات قطبی

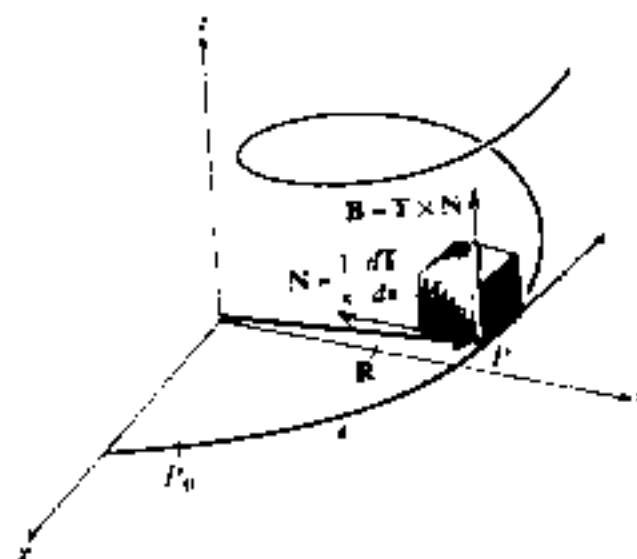
B

B	دومین حرف الفبای انگلیسی
Background	زمینه
Backward	به عقب - به پشت - پس رو - قهقراشی
Backward equation	معادله پس رو - معادله قهقراشی
Backward induction	استفرا قهقراشی
Balance	تبادل - توازن - موازنه - متعادل کردن
Balanced	متعادل - متوازن
Balanced circuit	مدار متعادل
Balance sheet	ترازنامه
Ball	گوی - گلوله - جسم کروی
Ball in metric space	گوی در فضای متریک
Ballistics	علم پرتاب - پرتابه شناسی
Ball-shaped	کروی - گوی مانند
Banach space	فضای باناخ
Band	نوار
Bar	خط کسری - علامت "—" - میله
Bar chart	نمودار میله‌ای
Barn	واحد سطح معادل 10^{24} سانتیمتر مربع
Barrier	سد - مانع
Barycenter	مرکز جرم - مرکز ثقل - گرانیگاه

Barycentric coordinates	مختصات مرکز جرم - مختصات مرکز ثقل
Base	پایه - فاعده - مبنا - اساس
Base angles of a triangle	زوایای مجاور به فاعده مثلث
Base for a topology	پایه توپولوژی
Base for logarithm	مبنای لگاریتم
Base of a number system	مبنای یک دستگاه شمار
Base of a solid	فاعده یک جسم
Base of a triangle	فاعده یک مثلث
Basic	اساسی - بنیادی - پایه‌ای
Basic feasible solution	جواب ممکن بنیادی
Basic fractions	کسره‌های بنیادی
Basic jordan blocks	قطعات بنیادی ژردان
Basic matrix	ماتریس بنیادی
Basis	پایه - مبنا
Basis of a vector space	پایه یک فضای برداری
Basis vector	بردار پایه
Babylonian numeration	عدد نویسی بابلی
Bayes theorem	قضیه بیس
Beam	پرتو - شعاع - شاهین نرازو
Beam-compass	پرگار یا زودار
Bee line	افصافاصله - خط راست
Behavior	وضع - رفتار
Bei	بی
Bei function	تابع بی
Bell-shaped curve	منحنی زنگ شکل - منحنی توزیع نرمال
Belong	متعلق بودن - تعلق داشتن
Below	پائین - زیر
Bend	خم کردن - خمیدگی - پیچ
Bend point	نقطه خم
Bending	انحناء - خمیدگی
Bending moment	گشتاور خمشی
Benefit	سود - منفعت
Bernoulli distribution	توزیع برنولی
Bernoulli equations	معادلات برنولی
Bernoulli function	تابع برنولی

Bernoulli numbers	اعداد برنولی
Bernoulli periodic functions	توابع متناوب برنولی
Bernoulli polynomials	چندجمله‌ای‌های برنولی
Bernoulli theorem	قضیه برنولی
Bernstein theorem	قضیه برنشتاین
Bertrand curve	منحنی برتراند
Bertrand's postulate	اصل برتراند
Bessel functions	توابع بسل
Bessel's differential equation	معادله دیفرانسیل بسل
Bessel's inequality	نامساوی بسل
Best approximation	بهترین تقریب
Best approximation theorem of Weierstrass	قضیه بهترین تقریب وایرانشتراس
Best decimal approximation	بهترین تقریب اعشاری
Bet	شرط بندی - شرط بستن
Beta (β)	بتا - دومین حرف الفبای یونانی
Beta function	تابع بتا
Between	درمیان - بین
Bevel	گونیا
Beyond	ماوراء
Bezout's theorem	قضیه بیزوت
Bi	بیشودی بمعنای "دوتایی"
Bianchi identities	اتحادهای بیانکی
Bias	اریب
Biased	اریب شده
Biaxial	دومحوری
Biconcave	مقعراالطرفین
Biconditional	دوشرطی
Biconditional composition	ترکیب دو شرطی
Bicone	دومخروطی - دو مخروط که دارای قاعده مشترک باشند.
Bicontinuous	ازدوسویوسته
Biconvex	محدب‌الطرفین
Bicuspid	دودندان - دوپایه - دو گوشه
Bifocal	دوکانونی
Biharmonic	دوهمساز - دوهمانگ

Bijection	دوسوئی - بیژکسیون
Bijjective	دوسوئی - بیژکتیو
Bijjective mapping	نگاشت دوسوئی
Bilateral	دوجانبه - دوطرفه
Bilinear	دوخطی
Bill	برات - صورتحساب
Billion	بیلیون - در آمریکا 10^9 و در انگلستان 10^{12} میباشد.
Bimodal	دونمائی (درآمار)
Binary	دوتائی - برمبنای دو
Binary arithmetic	حساب درمبنای دو
Binary base	مبنای دو - پایه دو
Binary number system	دستگاه اعداد درمبنای دو
Binary operation	عمل دوتائی
Binary relation	نسبت دوتائی - رابطه دوتائی
Binary system	دستگاه دوتائی - دستگاه اعداد درمبنای دو
Bind	بستن - مرتبط کردن
Binomial	دوجمله‌ای
Binomial coefficients	ضرایب دوجمله‌ای
Binomial equation	معادله دوجمله‌ای
Binomial expansion	بسط دوجمله‌ای
Binomial probability distribution	توزیع احتمال دوجمله‌ای
Binomial series	سلسله دوجمله‌ای
Binomial theorem	قضیه دوجمله‌ای
Binormal	بی نرمال (محور سوم در کج فرم)



Bioassay	آزمون زیستی
Biometry	حیات‌سنجی - ریاضیات زیستی
Bipartite	دو قسمی

Bipolar	دوقطبی	Boundaryless	نامحدود - بی کران
Bipyramid	هرم مضاعف - دوهرم با قاعده مشترک	Boundary line	خط مرزی
Biquadrate	دومجدوری	Boundary point	نقطه مرزی
Biquadratic	دومجدوری	Boundary values	مقادیر مرزی
Biquadratic equation	معادله دومجدوری	Bounded	محدود - کراندار
Birectangular	دوقاشه	Bounded above	از بالا محدود
Birefringence	دو شکستی - دوانگاری	Bounded below	از پایین محدود
Birectangular spherical triangle	مثلث کروی دوقاشه	Bounded convergence	همگرایی محدود
Bisect	دو نیمه کردن - نصف کردن	Bounded convergence theorem	قضیه همگرایی محدود
Bisection	تصنیف	Bounded from the left	محدود از چپ
Bisector	منصف - نیمساز	Bounded from the right	محدود از راست
Bisector of a line segment	منصف یک پاره خط	Bounded function	تابع محدود - تابع کراندار
Bisector-plane	صفحه منصف	Bounded interval	فاصله کراندار
Bisector of angle	نیمساز زاویه	Boundedly	بطور محدود - بطور کراندار
Bissextile	سال کبیسه	Boundedly convergence	همگرایی محدود - همگرایی کراندار
Bit	ذره - خرده	Boundedly convergent sequence	دنباله محدود - دنباله همگرای کراندار
Bivariant	دومتغیری	Bounded set	مجموعه محدود - مجموعه کراندار
Bivector	دو برداری	Bounded variation	با تغییرات محدود
Block	قطعه - جدول	Bow	کمان - قوس - خم شدن
Block multiplication	ضرب جدولی	Bow compass	نوعی پرگار
Blow	دمیدن - وزیدن		
Bob	شاوول		
Body	جسم		
Bolzano's theorem	قضیه بولزانو		
Bolzano weierstrass theorem	قضیه بولزانو و ایراشتراس		
Bonnet theorem	قضیه بونه		
Book-keeping	دفترداری - حسابداری	Brace	آکولاد - ابرو " ("
Boolean	بولی	Brachistochrone	کوتاهترین زمان
Boolean algebra	جبر بولی - جبر بول	Bracket	کروشه - پرانتز
Boolean function	تابع بولی	Branch	شاخه
Boolean ring	حلقه بولی	Branch of a curve	شاخه یک منحنی
Border	سرحد - مرز - حاشیه - مرزبستن	Breadth	پهنای - عرض
Border-line	خط مرزی	Briefly	مختصراً
Bottom	ته - پائین	Broad	عریض
Bound	سرحد - مرز - کرانه - بند - محدود کردن	Broaden	پهن کردن - تعریض
Boundary	مرز - کرانه - سرحد	Broadway	از عرض - از پهنای
Boundary conditions	شرایط مرزی	Broadwise	از عرض - از پهنای

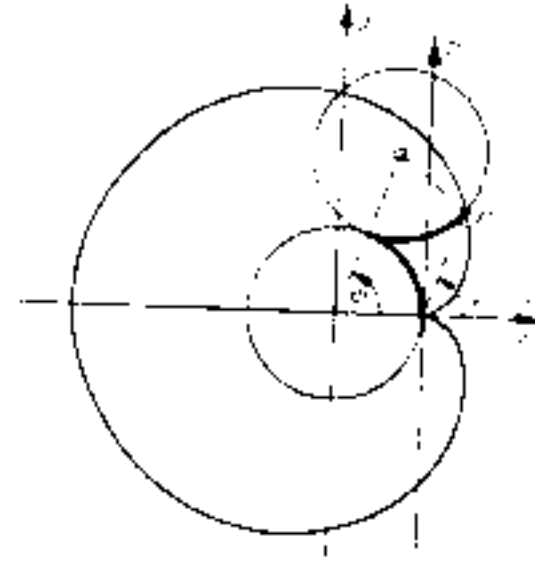


Broken	شکسته
Broken line	خط شکسته
Brouwer's fixed-point theorem	قضیه نقطه ثابت براور
Bubble	عیاب - جوشیدن
Budan's theorem	قضیه بودان
Buffon's needle problem	مسئله سوزن باقون -
	اگر یک دسته خطوط موازی به فاصله a روی صفحه‌ای رسم شده باشد و سوزنی با طول $L < a$ را بطور تصادفی روی صفحه بیاندازیم احتمال اینکه سوزن یکی از خطوط را قطع کند عبارتست از: $p = \frac{2L}{\pi a}$
Bulk	توده - جسم - توده
Bundle	دسته - بسته - دسته کردن
Bundle of circles	دسته دوایر
Bundle of planes	دسته صفحات
Bushel	معیاس وزن معادل ۴ پک و ۳۲ کوارتر - پیمانه غله و میوه معادل ۳۶ لیتر
By means of	بوسیله

C

C	سومین حرف الفبای انگلیسی
Calculable	قابل محاسبه
Calculate	محاسبه کردن - حساب کردن
Calculating machine	ماشین حساب
Calculation	محاسبه - حساب
Calculator	ماشین حساب - حساب کننده
Calculus	حساب جا معه وفاضله - حساب دیفرانسیل و انتگرال
Calculus of finite differences	حساب اختلافات متناهی
Calculus of variations	حساب تغییرات - حساب وردنها - حساب واریاسیونها
Calendar	تقویم - سالنامه
Caliber	قطردهانه لوله - قطر داخلی لوله
Calibrate	قطر داخلی چیزی را اندازه گرفتن
Callipers	قطرسنج
Calliper compass	پرگار قطرسنج
Call	نامیدن
Cancel	حذف کردن - باطل کردن
Cancellation law	قانون حذف

Candipower	شمع - واحدا اندازه گیری شدت نور
Canonical	کانونی - متعارفی - متعارف
Canonically	بطور متعارفی
Canonical representation of a space curve	نمایش متعارف یک منحنی فضای (بر حسب طول قوس آن)
Cant	سطح مایل - سطح مورب
Cantor number	عدد کانتور
Cantor set	مجموعه کانتور
Cantor space	فضای کانتور
Cap	عرقچین کروی - علامت اشتراک مجموعه ها
Capacitance	ظرفیت الکتریکی - توان
Capacitor	خازن
Capacity	ظرفیت - گنجایش
Capital	سرمایه
Card	برگ - ورق
Cardan's formula	فرمول کاردان
Cardinal	کاردینال - اصلی
Cardinality of a set	تعداد عناصر یک مجموعه
Cardinal number	عدد اصلی
Cardinal points	جهت اصلی
Cardioid	منحنی دل کون - منحنی قلب شکل



Cartesian	کارتیزی - دکارتی
Cartesian coordinates	مختصات دکارتی
Cartesian coordinate system	دستگاه مختصات دکارتی
Cartesian coordinates in the plane	مختصات دکارتی در صفحه
Cartesian equation	معادله دکارتی

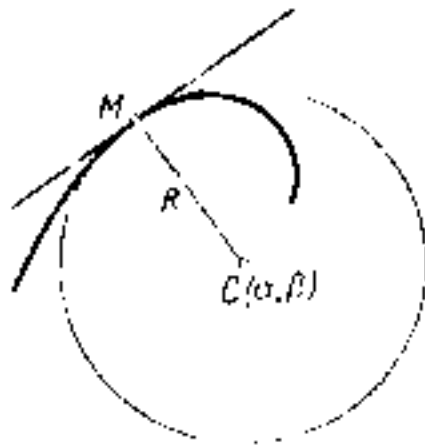
Cartesian geometry	هندسه دکارتی - هندسه تحلیلی
Cartesian plane	صفحه دکارتی
Cartesian product	حاصلضرب دکارتی
Cartesian product of intervals	حاصلضرب دکارتی فواصل
Cartesian product of sets	حاصلضرب دکارتی مجموعه‌ها
Cartography	نقشه‌کشی - نقشه برداری
Case	حالت - مورد
Casting out nines (cast-out-the nines)	نه‌نه خارج کردن (امتحان ضرب)
Catalog	فهرست
Categorical	قطعی - مطلق - جزئی - بی شرط
Category	طبقه - رده - مقوله - مقوله منطقی
Category theory	نظریه کاتگوریها - نظریه طبقات
Cauchy condition for convergence of sequences	شرط کوشی برای همگرایی دنباله‌ها
Cauchy Condition for convergence of series	شرط کوشی برای همگرایی سلسله‌ها
Cauchy condition for uniform convergence	شرط کوشی برای همگرایی یکنواخت - دنباله تابعی $\{f_n\}$ که روی E تعریف شده است روی E بطور یکنواخت همگراست اگر و تنها اگر :
	$\forall \epsilon > 0 \exists N/m \in \mathbb{N}, n, m > N, x \in E \rightarrow f_n(x) - f_m(x) < \epsilon$
Cauchy criterion	معیار کوشی
Cauchy distribution	توزیع کوشی
Cauchy's inequality	نامساوی کوشی
Cauchy integral	انتگرال کوشی
Cauchy principal value	مقدار اصلی کوشی
Cauchy product of series	حاصلضرب کوشی سلسله‌ها
Cauchy representation	نمایش کوشی
Cauchy residue theorem	قضیه باقیمانده کوشی
Cauchy-Riemann equations	معادلات کوشی - ریمان

Cauchy-schwarz inequality for inner product	نامساوی "کوشی - شوارتز" در مورد حاصلضرب داخلی
$ x \cdot y \leq x y $	
Cauchy-Schwarz inequality for integrals	نامساوی "کوشی - شوارتز" در مورد انتگرالها
Cauchy sequence	رشته کوشی - دنباله کوشی
Cauchy's integral theorem	قضیه انتگرال کوشی
Causality	علیت
Cause	سبب - علت - سبب شدن
Cause and effect	علت و معلول
CC. (cubic centimeter)	اختصاراً سانتیمتر مکعب
Cell	سلول - باخته - حفره
Celsius scale	مقیاس سلسیوس - مقیاس سانتیگراد
Cent	پیشوند بی‌معنی صد
Center	مرکز
Central	مرکزی
Central force	نیروی مرکزی
Centralize	متمرکز کردن - تمرکز دادن
Central concept	مفهوم اصلی
Central moment	گشتاور مرکزی
Central similitude	تجانس مرکزی
Central symmetry	تقارن مرکزی
Center of curvature	مرکز انحنا
Center of gravity	مرکز ثقل
Center of inversion	مرکز انعکاس
	(به عنوان یک تبدیل هندسی)
Center of mass system	دستگاه مرکز ثقل
	(نوعی دستگاه مختصات قطبی)
Center of symmetry	مرکز تقارن
Centesimal	صدم - صدتایی - صدقسمتی
Centesimal system of measuring angles	سیستم صدقسمتی برای اندازه‌گیری زوایا
Centi	یکصدم - سانتی
Centigrade	یکصدم گراد - سانتی گراد
Centimeter	یکصدم متر - سانتی متر
Central limit theorem	قضیه حد مرکزی
	(در آمار و احتمالات)

Central quadrics	سطح درجه دوم متقارن مرکزی (مانند بیضوی یا هذلولوی یکپارچه و دوپارچه)	Chapter	فصل - باب - بخش
Centralization	تمرکز	Character	حملت - مشخصه
Centrifugal force	نیروی گریزاز مرکز	Characteristic	مشخصه - ویژگی
Centrifugation	گریزاز مرکز	Characteristic equation	معادله ویژه
Centripetal force	نیروی جذبیه مرکز	Characteristic function	تابع ویژه
Centroid	مرکز هندسی	Characteristic of a logarithm	مفسر لگاریتم
Centuple	صدتایی - صدبرابر	Characteristic of a ring or a field	مشخصه یک حلقه یا یک میدان
Centuplicate	صدبرابر کردن	Characteristic value	مقدار ویژه
Century	قرن - صدسال	Characteristic vector	بردار ویژه
Certain	مطمین - مسلم - مشخص - یقین	Characterize	مشخص کردن - توصیف کردن
Certainty	اطمینان - یقین	Charge	بار - بر کردن
Cesaro summability	مجموع پذیری چزارو	Chart	ترسیم آماری - نقشه - نمودار - جدول
Chain	زنجیر - زنجیر کردن	Chebyshev inequality	نامساوی چبی شف
Chain derivatives	مشتقات زنجیری	Chebyshev's differential equation	معادله دیفرانسیل چبی شف
Chain rule	قاعده زنجیری	Chebyshev's polynomials	چندجمله‌ایهای چبی شف
Chain rule for derivatives	قاعده زنجیری برای مشتقات	Chebyshev's theorem	قضیه چبی شف
Chain rule for real functions	قاعده زنجیری برای توابع حقیقی	Check	بررسی - رسیدگی - بررسی کردن - رسیدگی کردن
Chain rule for vector valued functions	قاعده زنجیری برای توابع برداری	Checking	بررسی - کنترل
Chance	شانس - اتفاق - بخت - تصادف	Chemistry	شیمی
Change	تغییر - تغییر کردن - تغییر دادن	Cheque	حواله - برات - چک
Changeable	قابل تغییر - تغییر پذیر - ناپایدار	Choice	انتخاب
Changeful	تغییر پذیر - بی ثبات	Choose	انتخاب - انتخاب کردن - گزیدن
Change of coordinates	تغییر مختصات	Chord	وتر - قوس
Change of parameter	تغییر پارامتر	Chordal pitch	کام وتری - فاصله مستقیم الخط بین دو نقطه متناظر از دو دندانه متوالی یک چرخ دنده
Change of rate	تغییر میزان - تغییر نسبت	Chronology	وقایع نگاری - علم ترتیب وقایع تاریخی
Change of variable	تغییر متغیر	Chronometer	رمان سنج دقیق - کرومومتر
Change of variable in Lebesgue integral	تغییر متغیر در انتگرال لیبگ	Chute	سطح شیب دار - سرسره
Change of variable in Riemann - stieltjes integral	تغییر متغیر در انتگرال ریمان - استلجس	Cipher	عدد صفر - صفر گذاردن - حروف رمزی
Channel	کانال - ترعه - مجرا	Circinate	قوسی
		Circle	دایره
		Circle graph	نمودار دایره

Circle of curvature

دایره انحنا



Circle of convergence

دایره همگرایی

Circlet

دایره کوچک

Circuit

دور - مدار

Circular

دایره‌ای - مدور

Circular arc

کمان مدور - کمان مستدیر

Circular disk

صفحه مدور - قرص مدور

Circular closed region

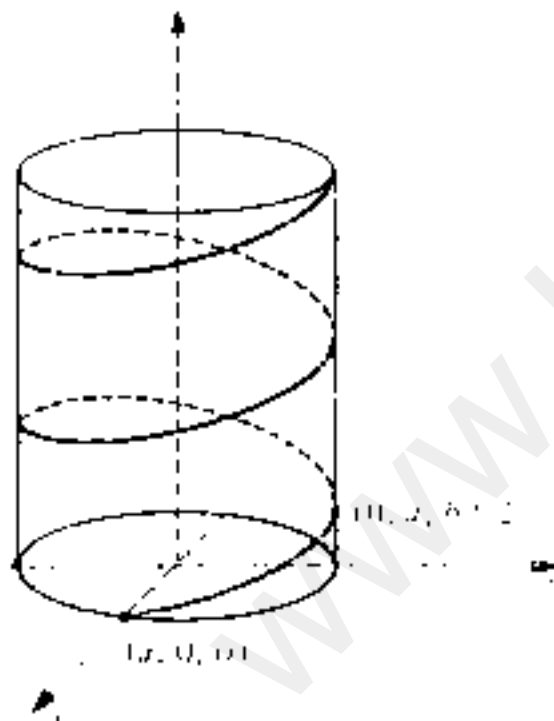
ناحیه مدور بسته

Circular cone

مخروط دوار

Circular helix

مارپیچ مدور



Circular permutation

جابجایی مدور

Circularize

مدور کردن - مستدیر کردن

Circular measure

اندازه زاویه بر حسب رادیان

Circular sector

قطاع مستدیر

Circular motion

حرکت دورانی

Circular path

مسیر مدور

Circulating decimal

عددهای اعشاری متناوب

Circulation

گردش - گردش یک سیال در مسیر بسته

Circum

پیشوندی بمعنای " در اطراف "

Circumambient

" در حدود " احاطه کننده - محیط

Circumambieny

احاطه

Circumcenter

مرکز دایره، محیطی

Circumcenter of a triangle

مرکز دایره، محیطی مثلث

Circumcircle

دایره، محیطی

Circumference

پیرامون - محیط

Circumferential

محیطی - واقع بر محیط دایره

Circumscribe

محیط کردن

Circumscribed circle

دایره، محیطی

Circumscribed circle of a polygon

دایره، محیطی یک چندضلعی

Circumscribed cone of a pyramid

مخروط محیطی یک هرم

Circumscribed polygon

چندضلعی محیطی

Circumscribed prism of a cylinder

منشور محیطی یک استوانه

Circumscribed pyramid of a cone

هرم محیطی یک مخروط

Circumscribed sphere

کره، محیطی

Circumscription

محدودیت - تعریف

Circumstances

شرایط محیط

Circuit

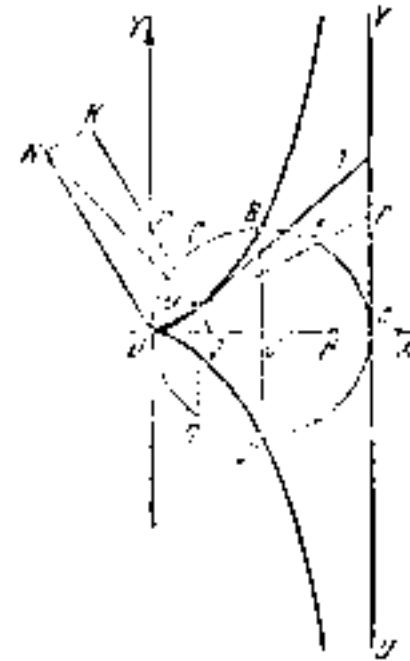
مدار

Cisoid(cisoid of diocles)

سیموئید (سیموئید دیوکلس)

$$y^2(2a-x) = x^3$$

منحنی به معادله،



Clarity	وضوح	Coherent	جسیدده - مرتبط - دارای ارتباط منطقی
Class	رده - طبقه - دسته - کلاس	Coil	ما رپیچ - سیم پیچ
Classic	کلاسیک	Coin	سکه
Classification	طبقه بندی - دسته بندی	Coincide	منطبق شدن
Classify	دسته بندی کردن - طبقه بندی کردن	Coincidence	انطباق
Clear	آشکار - واضح	Coincident	منطبق
Clockwise	در جهت گردش عقربه های ساعت	Coincident configurations	اشکال منطبق
Close	بستن - نزدیک	Coin-tossing	پرتاب سکه
Closed	بسته	Colatitude	متمم عرض جغرافیایی
Closed ball	گوی بسته	Collapse	فرورپختن - منلاشی شدن
Closed broken line	خط شکسته بسته	Collate	مقابله و تطبیق کردن
Closed curve	منحنی بسته	Collateral	پهلویه پهلو - متوازی
Closed disc	کرده بسته	Collect	گردآوری - گردآوری
Closed interval	فاصله بسته	Collecting	گردآوری
Closed-loop	حلقه بسته - مدار بسته - بلورپیون مدار بسته	Collection	گردآیه - مجموعه - کلکسیون
Closed mapping	نگاشت بسته	Collimate	موازی فرار دادن - هم راستا کردن
Closed region	ناحیه بسته	Collinear	هم راستا - بریک استقامت
Closed set	مجموعه بسته	Collinearity	هم راستایی
Closed space figure	شکل فضائی بسته	Collinear opposite vectors	بردارهای متقابل
Closed unit interval	فاصله بسته واحد	Collinear points	نقاط هم راستا - نقاط واقع بریک استقامت
Closure	بستار	Collineation	هم راستایی - تبدیل هم راستایی
Clue	راهنما - کلید - اثر - نشان - مدرک	Collision	برخورد - تصادم
Cluster point	نقطه انباشتنگی - نقطه تجمع	Cologarithm	کلگا ریتم
Co-	بینوندی بمعنای "مشترک" و یا "بریک"	Column	ستون
Coaxial	هم محور	Column matrix	ماتریس ستونی
Coaxial planes	صفحات هم محور	Column of a matrix	ستون یک ماتریس
Code	رمز - علامت	Column rank	مرتبه ستونی - رتبه ستونی
Codimensional	هم بعد	Column vector	بردار ستونی
Co-domain	هم دامنه	Colure	دایره عطیعه ای بر روی کره سماوی که از قطبین میگذرد
Co-domain of a function	هم دامنه یک تابع	Combination	ترکیب
Coefficient	ضریب	Combination in statistics	ترکیب در آمار
Coefficient of friction	ضریب اصطکاک	Combination with repetition	ترکیب با تکرار
Coefficient of restitution	ضریب برگشت		
Cofactor of a matrix	هم عامل یک ماتریس		
Cofocal	هم کانون		
Cofunctions	توابع مثلثاتی متمم یک زاویه		
Coherence	جسیدگی - ارتباط - وابستگی		

Combination without repetition	ترکیب بدون تکرار
Combination analysis	آنالیز ترکیبی
Combinatorial	ترکیبیاتی
Combinatorics	ترکیبیات
Combine	ترکیب کردن - آمیختن
Combined	مرکب - ترکیب شده
Comma	کاما - ویرگول
Commensurable	هم مقیاس
Commensurate	متناسب
Common	معمولی - مشترک
Common denominator	مخرج مشترک
Common difference (درنما عددهایی)	قدرنسبت (درنما عددهایی)
Common divisor	مقسوم علیه مشترک
Common exterior tangent	مماس مشترک خارجی
Common factor	عامل مشترک
Common fraction	کسر متعارفی
Common interior tangent	مماس مشترک داخلی
Common multiple	مضرب مشترک
Common logarithm	لگاریتم معمولی - لگاریتم درمبنای ده - لگاریتم اعشاری
Common ratio (درنما عددهایی)	قدرنسبت (درنما عددهایی)
Common tangent	مماس مشترک
Common tangent of two circles	مماس مشترک دودایره
Communication	ارتباط
Commutation	تبدیل - تعویض - جابجایی
Commutative	تعویض پذیر - جابجایی
Commutative group	گروه جابجایی
Commutative law	قانون جابجایی
Commutative law of multiplication	قانون جابجایی ضرب
Commutative law of addition	قانون جابجایی جمع
Commutativity	جابجایی
Commute	تعویض کردن - جابجا شدن
Commutator	تغییردهنده - برگرداننده
Compact	فشرده - فشرده کردن

Compact interval	فاصله فشرده
Compactification	فشرده سازی
Compaction	عمل بهم فشردن
Compactness	فشردهگی
Compact set	مجموعه فشرده
Comparable	قابل مقایسه
Companion matrix	ماتریس همراه - ماتریس

$$\begin{vmatrix} \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \end{vmatrix}$$

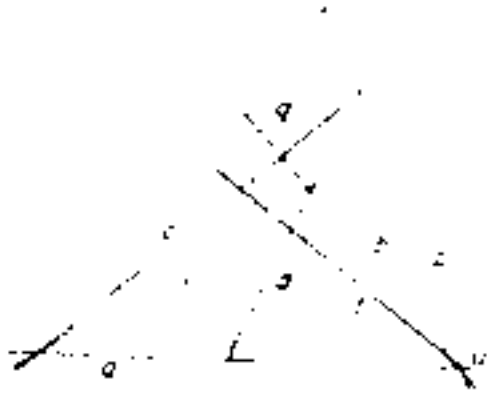
ماتریس همراه چندجمله‌ای

$$P(t) = t^k + a_{k-1}t^{k-1} + \dots + a_1t + a_0$$

می باشد.

Comparable functions	توابع قابل مقایسه
Compare	مقایسه کردن - سنجیدن
Comparative	مقایسه‌ای
Comparison	مقایسه - سنجش
Comparison property	خاصیت مقایسه
Comparison test	آزمون مقایسه
Compart	جدا کردن - تقسیم کردن
Compartment	قسمت - بخش
Compass	برگاره - قطب‌نما
Compatibility	سازگاری - توافق
Compatible	سازگار - موافق
Compatible distance	فاصله سازگار
Compensate	جبران کردن
Complementary angles	زوایای متمم
Complementary set	مجموعه مکمل
Complementation	مکمل سازی - متمم سازی
Complement orthogonal set	مجموعه متعامد مکمل
Complete	تمام - کامل - تمام کردن - کامل کردن
Complete metric space	فضای متریک کامل

Complete quadrilateral چهار ضلعی کامل

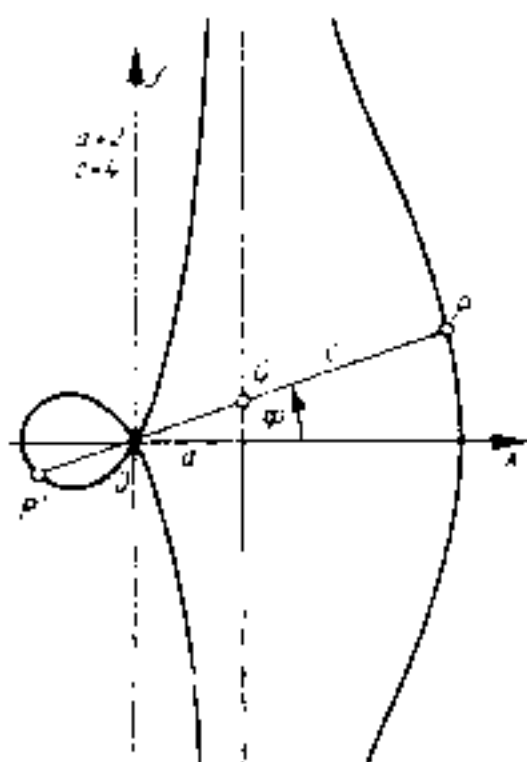


Completive	کامل - تمام
Complex	مختلط
Complex analysis	آنالیز مختلط
Complex conjugate	مزدوج مختلط
Complex exponential function	تابع نمایی مختلط
Complex field	میدان مختلط - هیئت مختلط
Complex fourier series	سلسله فوریه مختلط
Complex function	تابع مختلط
Complex line integral	انتگرال خطی مختلط
Complex logarithm	لگاریتم مختلط
Complex number	عدد مختلط
Complex number system	دستگاه اعداد مختلط
Complex plane	صفحه مختلط
Complex power	توان مختلط
Complex-valued function	تابع مختلط
Complex variable	متغیر مختلط
Complicate	پیچیده - سرنج
Component	مؤلفه
Component of a vector	مؤلفه یک بردار
Composable	قابل ترکیب
Compose	ترکیب کردن - ساختن
Composite	مرکب
Composite fraction	کسر مرکب
Composite function	تابع مرکب
Composite number	عدد مرکب - عدد غیر اول
Composite proportion	تناسب مرکب
Composite radical	رادیکال مرکب - ریشه مرکب
Composite sentence	گزاره مرکب - جمله مرکب

Composition	ترکیب
Compound	مرکب - غیر بسیط
Compound event	پیشامد مرکب (در احتمالات)
Compound interest	بهره مرکب - سود مرکب
Compound pendulum	آونگ مرکب - پاندول مرکب
Compound proposition	گزاره مرکب
Computable	قابل محاسبه
Computation	محاسبه
Compute	محاسبه کردن - حساب کردن
Computer	رایانه
Concave	مقعر - کاو
Concave angle	زاویه مقعر
Concave downward	مقعر بطرف پایین
Concave function	تابع مقعر
Concave polygon	چندضلعی مقعر
Concave upward	مقعر بطرف بالا
Concavity	مقعر - کاوی
Concavo-concave	مقعرالطرفین - ازدو سو کاو
Concavo-convex	"مقعر، محدب" - "کاو، کوژ"
Conceive	تصور کردن - پنداشتن
Concentrate	متمرکز کردن - تمرکز دادن
Concentrated	متمرکز
Concentration	تمرکز
Concentrative	تمرکز دهنده - تمرکزی
Concentrator	متمرکز کننده - متمرکز شونده
Concentric	منحداالمرکز - هم مرکز
Concentric circles	دو دایره منحداالمرکز - دو دایره هم مرکز
Concentrically	بطور منحداالمرکز - بطور هم مرکز
Concept	مفهوم - پنداره
Conceptual	پنداری - تصویری - ادراکی
Conclude	نتیجه گرفتن - خاتمه دادن
Conclusion	نتیجه
Concordance	توافق
Concurrent	متقارب
Concurrent lines	خطوط متقارب
Concyclic	هم دایره

Conchoid curve

منحنی صدفی

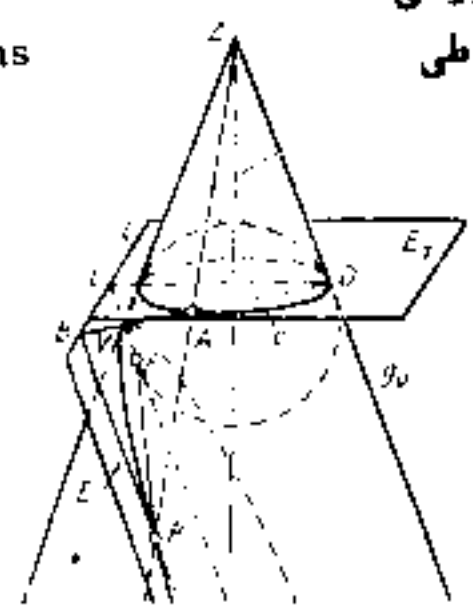


Concyclic points	نقاط هم دایره
Condensation	چگالش - تکاثف - انباشتگی
Condensation point	نقطه انباشتگی
Condensation test	آزمون انباشتگی
Condense	هم چگال کردن - منراکم کردن فشرده کردن - تعلیط کردن
Condensed	چگالیده
Condenser	چگالنده
Condition	شرط
Conditional	شرطی - مشروط
Conditional composition	ترکیب شرطی
Conditional convergence	همگرایی شرطی - همگرایی مشروط
Conditional expectation	امید مشروط
Conditional equations	معادلات شرطی
Conditional inequations	نامعادلات شرطی
Conditional probability	احتمال شرطی
Conditional probability distribution	توزیع احتمال شرطی
Conditional sentence	گزاره شرطی
Conditionally convergent	همگرایی شرطی
Conditionally independent	مستقل شرطی
Conduce	هدایت کردن
Conduction	هدایت - رسانایی
Conductivity	قابلیت هدایت
Conductor	هادی - هدایت کننده
Cone	مخروط

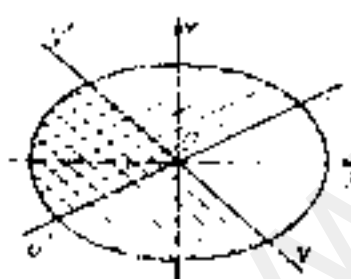
Confidence coefficient	ضریب اطمینان
Confidence interval	فاصله اطمینان
Confidence level	درجه اطمینان
Confidence region	ناحیه اطمینان
Configuration	پیگر بندی - هیئت
Confirm	تثبیت کردن - تأیید کردن
Confluence	هم جریانی - هم ریزی
Confluent	همریز - هم جریان
Confocal	هم کانون
Confocal conics	مقاطع مخروطی هم کانون
Conform	مطابقت کردن - وفق دادن
Conformable	قابل تطبیق
Conformal	همدیس
Conformal geometry	هندسه تطبیقی
Conformal mapping	نگاشت همدیس
Conformal representation	نمایش مطابق - نمایش هم شکل
Conformal transformation	تبدیل حافظ زاویه
Conformity	مطابقت - هم شکلی
Congruence	همنهشتی - هم ارزی
Congruency	همنهشتی - هم ارزی
Congruent	همنهشت - هم ارز
Congruent figures	اشکال قابل انطباق اشکال متساوی
Congruent matrices	ماتریسهای هم ارز
Congruent numbers	اعداد همنهشت
Conic	مخروطی
Conic equation	معادله مخروطی - معادله هریک از مقاطع مخروطی

$$Ax^2 + 2Bxy + Cy^2 + Dx + Ey + F = 0$$

Conic screw line	مارپیچ مخروطی
Conic sections	مقاطع مخروطی




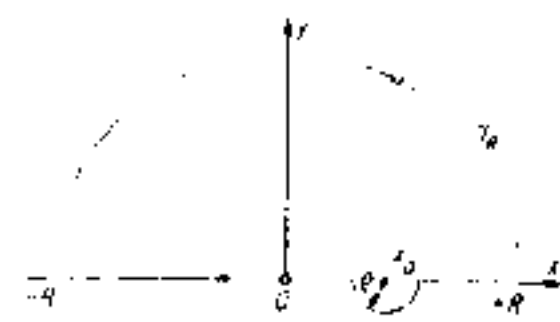
Conical	مخروطی شکل - مخروطی
Conical helix	مارپیچ مخروطی
Conical surface	سطح مخروطی
Conicle	مخروط کوچک
Conicoid	کنیکوئید - سهمی کون - هذلولی کون - بیضی کون
Conjecture	گمان بردن - گمان حدس - پیش بینی
Conjugate	مزدوج
Conjugate algebraic numbers	اعداد جبری مزدوج
Conjugate arcs	کمانهای مزدوج
Conjugate axis	محور مزدوج - خط گذرنده از مرکز بیضی یا هذلولی که برپاره خط واصله بین دو کانون عمود باشد.
Conjugate Complex functions	توابع مختلط مزدوج
Conjugate complex numbers	اعداد مختلط مزدوج
Conjugate curves	منحنیهای مزدوج
Conjugate diameters	اقطار مزدوج



Conjugate elements of a determinant	عناصر مزدوج یک دترمینان
Conjugate field	میدان مزدوج
Conjugate functions	توابع مزدوج
Conjugate hyperbolas	هذلولیهای مزدوج
Conjugate hyperboloids	هذلولویهای مزدوج
Conjugate lines	خطوط مزدوج
Conjugate of a complex number	مزدوج یک عدد مختلط
Conjugate planes	صفحات مزدوج
Conjugate point	نقطه مزدوج
Conjugate potential functions	توابع پتانسیل مزدوج

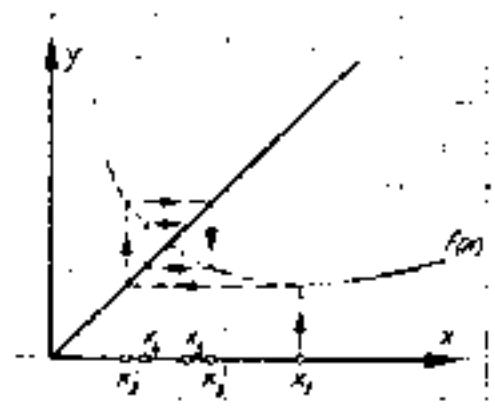
Conjugate roots	ریشههای مزدوج
Conjugate triangles	مثلثهای مزدوج
Conjunction	حرف ربط
Conjunctive composition	ترکیب ربطی
Connect	همبند - مرتبط - منحل کردن مربوط بودن
Connected	مربوط - یکپارچه
Connected domain	حوزه، مرتبط - حوزه، یکپارچه
Connected surface	سطح مرتبط
Connectedness	یکپارچگی - ارتباط - همبندی
Connection	اتصال - ارتباط
Connective	پیوندی - حرف ربط با عطف
Connectivity	ربط - ارتباط - همبندی
Connector	رابط
Conoid	مخروط کون
Consecutive	متوالی - پی در پی - بیابنی
Consequence	پیامد - نتیجه
Consequently	در نتیجه
Conservation	بقاء - حفظ
Conservation law	قانون بقاء - اصل بقاء
Conservative system	دستگاه حافظ انرژی
Conserve	نگهداشتن - حفظ کردن
Consider	در نظر گرفتن
Consideration	ملاحظه - توجه
Consist	شامل بودن - مشتمل بودن
Consistent	سازگار
Consistent factor	عامل سازگار
Consistent equations	معادلات سازگار - دسته معادلاتی که دارای جواب مشترک باشند.
Consequent	تالی (ترکیب شرطی)
Constituent	جزء اصلی - سازنده
Constitute	تشکیل شدن - بنا کردن - تاسیس کردن
Constraint	قید - محدودیت
Construct	ساختن - رسم کردن
Constructive	سازنده
Construction	ساختمان - ترسیم - رسم
Construction with compass and ruler	ترسیم با پرگار و خط کش

Constructive method	روش ساختگاری - روش سازنده
Contact	تماس - برخورد
Contain	شامل - مشتمل - شامل بودن
Content	محتوی - گنجایش - فهرست مطالب
Conterminal	هم سرز
Contiguous	مجاور - نزدیک - پیوسته - متصل
Contingency	احتمال
Contingency table	جدول احتمالات
Continuation	تعمید - ادامه
Continue	ادامه دادن
Continued	متصل - پیوسته
Continued fraction	کسر مسلسل
Continuity	پیوستگی - تداوم
Continuum	متمله
Continuous	پیوسته - متصل
Continuous curve	منحنی پیوسته
Continuous decision processes	فرآیندهای تصمیمی پیوسته - در مسائل بهینه‌سازی وقتی که بتوان در هر لحظه تصمیم گیری کرد.
Continuous function	تابع پیوسته
Continuous map	نگاشت پیوسته
Continuous random variable	تغییرتصادفی پیوسته
Continuous topology	توپولوژی پیوسته
Contour	کانتور - منحنی بسته ساده - یک خم پارامتریزه $c: [a,b] \rightarrow \mathbb{R}^2$ را که در (a,b) یک به یک بوده و $c(a)=c(b)$ باشد یک خم بسته ساده یا یک کانتور می نامیم در صورتیکه c یک خم هموار باشد.
	
Contour curves	منحنیهای تراز
Contour integral	انTEGRال روی منحنی بسته ساده



Contraction	انقباض - تابع $\phi: X \rightarrow X$
	راکه در آن X یک فضای متریک است یک انقباض می نامیم اگر یک $c < 1$ موجود باشد بطوریکه:
	$d(\phi(x), \phi(y)) \leq cd(x,y) \forall x,y \in X$
Contradiction	تناقض
Contradictory	متناقض
Contradictory statements	گزاره‌های متناقض
Contragredient matrix	ماتریس وارون تراشاده - ماتریس $(A^T)^{-1}$ را ماتریس وارون تراشاده ماتریس A گویند.
Contrapositive	عکس نفی
Contrariwise	برعکس
Contrary	مخالف - معکوس - مقابل - خلاف
Contribution	همکاری و کمک - سهم
Control chart	نمودار کنترل
Controllability	کنترل پذیری
Convector	هم بردار
Convention	فرار داد - همایش
Converge	متقارب بودن - همگرا بودن
Convergence	همگرایی - تقارب
Convergence in a metric space	همگرایی در یک فضای متریک
Convergence of a sequence	همگرایی یک دنباله
Convergence of series	همگرایی سلسله‌ها
Convergence tests	آزمونهای همگرایی
Convergent	همگرا - متقارب
Convergent product	حاصلضرب همگرا
Convergent sequence	دنباله همگرا
Convergent series	سلسله همگرا

Convergent iteration تکرار همگرا



Converse معکوس - مخالف - وارونه

Converse of a relation عکس یک رابطه

Converse of a theorem عکس یک قضیه

Conversely برعکس

Conversion تغییر حالت - تحویل - تبدیل

Conversion table جدول تبدیل - جدول تبدیل واحد دستگاہهای متفاوت به یکدیگر

Convert تغییر کردن - تحویل کردن - تبدیل کردن

Convertible قابل تبدیل - تغییر پذیر - تحویل پذیر

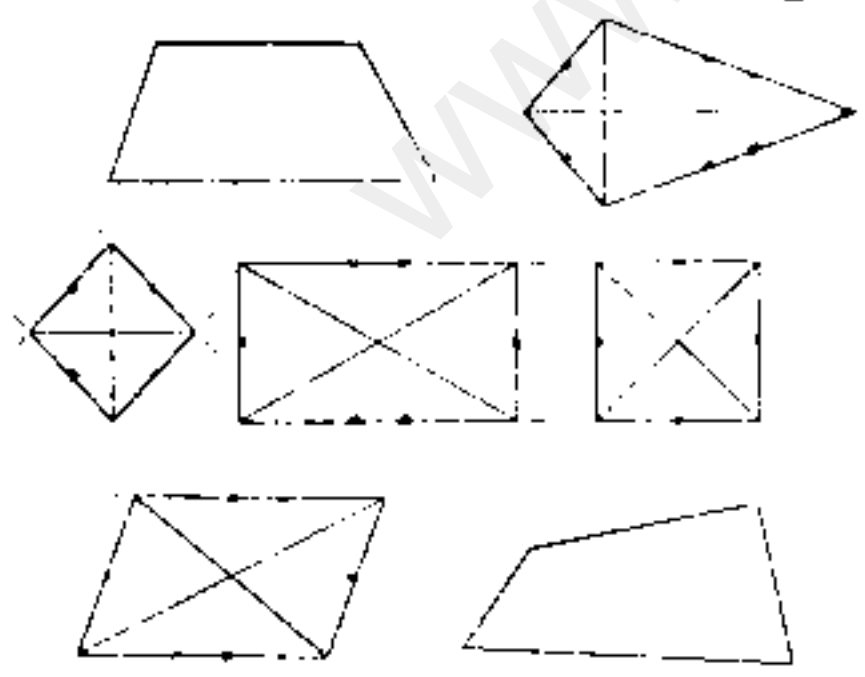
Convex محدب - کوز

Convex function تابع محدب - تابع کوز

Convex linear combination ترکیب خطی محدب - ترکیب خطی کوز

Convex polygon چندضلعی کوز - کثیرالاضلاع محدب

Convex quadrilaterals چهارضلعی های کوز



Convex region ناحیه محدب

Convex sequence دنباله محدب - رشته کوز

Convex set مجموعه محدب - مجموعه کوز

Convex subset زیرمجموعه کوز

Convex surface سطح محدب - رویه کوز

Convexity تحدب - کوزی

Convexo-concave "محدب، مقعر" - "کوز، کاو"

Convexo-convex محدب الطرفین - ازدوسوکوز

Convolution پیچیدگی - پیچش - چرخش - تلفیق

Convolution formula دستور تلفیق

Convolution of two functions انتگرال حاصلضرب تلفیقی دو تابع - مثلاً برای دو تابع F_x و F_y میتوان نوشت:

$$\int_{-\infty}^{\infty} f_x(x) f_y(z-x) dx$$

Cooling problem مسئله نیرید

Coordinates مختصات - مختص

Coordinate axes محورهای مختصات

Coordinate axis محور مختصات

Coordinate system دستگاہ محورهای مختصات

Coordinate transformation تبدیل مختصات

Copernican theory نظریه کوپرنیک

Coplanar points نقاط هم صفحه

Coplane هم صفحه

Coprime متباین

Coprime numbers اعداد متباین

Core مغز - هسته

Corner گوشه - کنج

Cornered گوشه دار - زاویه دار

Corollary قضیه فرعی - نتیجه

Correct صحیح - تصحیح کردن

Correction صحیح - درست

Correction factor عامل تصحیح - ضریب تصحیح

Correctness صحب - درستی

Correlate همبستگی داشتن - هم بسته بودن - وابسته بودن

Correlated هم بسته - وابسته

Correlation همبستگی

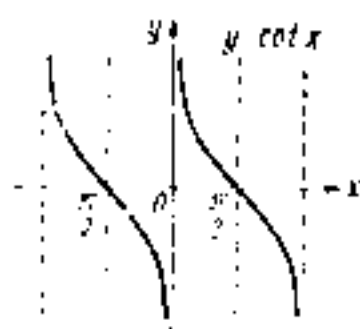
Correlation coefficient ضریب همبستگی

Correspond مطابق بودن - متناظر بودن

Correspondence تطابق - تناظر

Correspondent متناظر

Corresponding	مطابق - مناسط - نظیر به نظیر
Corresponding angles	روایای مناسط
Corresponding elements	اجزای مناسط
Corresponding elements of two similar triangles	اجزای مناسط دو مثلث متشابه
Corresponding sides	اضلاع مناسط
Corresponding values	مقادیر متناظر
Corresponding vertices	رئوس متناظر
Cosecant	کسکانت - عکس سینوس
	$\operatorname{cosec} x = \frac{1}{\sin x}$
Coset	همدسته
Cosine	کسینوس - جیب تمام
Cosine curve	منحنی کسینوس
Cosmography	شرح جهان - کیهان نگاری
Cost formula	فرمول تعیین ارزش - فرمول تعیین بها
Cost function	تابع ارزش - تابع بها
Cotangent curve	منحنی کتانژانت



Counterimage	پیش تصویر
Counterpart	هماورد - نقطه مقابل
Counterweight	مبتعادل کردن - وزنه تعادل
Counting	شمارش
Counting measure	اندازه شمارشی
Counting numbers	اعداد شمارشی
Counting system	دستگاه شمار
Couple	زوج - جفت
Course	درس - دوره
Covalence	هم ظرفیتی
Covariance	هم پراشی - هم پراشی x و y را بوسیله $\operatorname{cov}(x, y)$ میتوان نشان داد: $\operatorname{cov}(x, y) = E[(x - \mu_x)(y - \mu_y)]$
Covariant	هم پراش
Covariant differentiation	متفق گیری هم پراش
Cover	پوشاندن - پوشش
Covering	پوشش
Covering of a set	پوشش یک مجموعه
Covering theorem	قضیه پوشش
Cozonal	هم ناحیه
Cramer's rule	قاعده کرامر
Crescent	هلالی شکل - هلال ماه
Criterion	معیار - ضابطه
Critical	بحرانی
Critical damping	صبرانی بحرانی
Critical point	نقطه بحرانی
Critical region	ناحیه بحرانی - ناحیه رد
Crooked line	منحنی - خط خمیده
Cross	قطع کردن - تقاطع
Crossed	طلیب کوبه - چلیپایی - متقاطع
Cross-hatch	ها شور متقاطع
Crossing	نقطه تقاطع
Cross product	حاصلضرب خارجی - حاصلضرب برداری
Cross section	مقطع عرضی - سطح مقطع
Cross sectional area	مساحت سطح مقطع
Crosswise	بشکل ضربدر
Cruciform curve	منحنی صلیبی شکل